

مبانی فقهی سبک زندگی در خانواده اسلامی (براساس بیانیه

گام دوم انقلاب)

بی بی صدیقه توکلی^۱

چکیده

یکی از مسائل مورد تأکید مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب، رفتار براساس سبک زندگی اسلامی است؛ زیرا زیربنای بسیاری از مباحث اجتماعی، اقتصادی و اختلافات خانوادگی بستگی به سبک زندگی انسان دارد. سبک زندگی متشکل از دو بخش است: یکی پایبندی به خانواده، تقواگرایی و خدامحوری، صبر، تلاش و کوشش، صداقت، قناعت احترام، حیا، حجاب، اعتدال و دیگری، تحلیل سیاسی-اجتماعی. یکی از موارد پایبندی به خانواده رعایت حقوق زوجین است که در صورت رعایت این حقوق بسیاری از اختلافات حل می‌شود. پژوهش حاضر با هدف آگاه‌سازی خانواده‌ها نسبت به سبک زندگی اسلامی انجام شد. نوشتار حاضر در محدوده فقه و به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع فقهی گردآوری شد. از جمله دستاوردهای پژوهش حاضر می‌توان به تقسیم حقوق زوجین بر دو قسم مختص و مشترک اشاره کرد. حقوق اختصاصی زوج عبارت است از: اطاعت و عدم عصیان، اداره خانه، عدم خروج از خانه، حفظ مال شوهر و حقوق اختصاصی زن نفقه باتوجه به شأن زن، مهر، حق قسم. از حقوق مشترک معاشرت به معروف را می‌توان نام برد.

واژگان کلیدی: خانواده، حقوق مشترک، حقوق مختص، سبک زندگی، مبانی فقهی، نفقه، بیانیه گام دوم.

۱. دانش پژوه کارشناسی ارشد فقه خانواده از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی ص العالمیه، قم، ایران.

خانواده کانون مقدسی است که در سایه پیوند زناشویی دو انسان از دو جنس مخالف پایه‌گذاری شده است و با پیدایش و تولید فرزندان کامل‌تر می‌شود. خانواده، اولین کانون زندگی بوده و در رفتار شخص در جامعه و میزان موفقیت وی تأثیر زیادی دارد. این موضوع از مسائل مورد تأکید مقام معظم رهبری است. ایشان نخستین بار موضوع سبک زندگی را در خراسان شمالی مطرح کرد. وی سبک زندگی را بخش اساسی و حقیقی پیشرفت و تمدن‌ساز نوین اسلامی و مهمترین خاستگاه رفتاری در فرهنگ غرب را لذت‌طلبی و منفعت‌طلبی می‌داند. این موضوع در تقابل با سبک زندگی اسلامی تلقی شد. حال سبک زندگی در بعضی از جوامع اسلامی محل تأمل است که نیازمند بررسی مبانی فقهی سبک زندگی در خانواده اسلامی است. در این زمینه کتب و مقالاتی تدوین شده که به برخی اشاره می‌شود؛ مقاله ارتباط سبک زندگی اسلامی و حیات طیبه در قرآن کریم نوشته نفیسه کوثری‌نیا. در این مقاله از نظر قرآن کریم مسئله سبک زندگی بررسی شده است و در نهایت قرآن برنامه سبک زندگی بشر است. (کوثری‌نیا، ۱۳۹۲) مقاله خانواده، محور سبک زندگی اسلامی اثر دکتر هدایت‌نیا که در آن، سبک زندگی براساس دین اسلام و مسیحیت بررسی شده است که در مسیحیت، مجردزیستی ارزش محسوب می‌شود و بهتر از ازدواج است، ولی اسلام، خانواده‌محور و خانواده‌گراست. نوشتار حاضر، سبک زندگی اسلامی براساس مبانی فقهی را بررسی می‌کند (هدایت‌نیا، ۱۴۰۰).

با توجه به اینکه ازدواج و ورود زوجین به محیط و شرایط جدید وظایف و حقوق تازه‌ای برای طرفین پدیده می‌آورد و عدم رعایت آن موجب پیدایش فساد و مشکلات دیگر می‌شود، زندگی مسالمت‌آمیز در خانواده و در سطوح وسیع‌تر یعنی، اجتماع جز در سایه رعایت حقوق همدیگر و پذیرش اصول و ضوابط در زندگی امکان‌پذیر نیست. بنابراین، بحث از مبانی فقهی سبک زندگی برای مشخص شدن ابعاد و زوایای بحث ضروری و لازم است در این مورد بررسی و تحقیق دقیق فقهی صورت گیرد. هدف از نوشتار حاضر، آگاه‌سازی زوجین نسبت به حقوق آنها و جلوگیری از اختلافاتی است که ممکن است در اثر جهل به این موضوع بین زوجین ایجاد شود.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. خانواده

خانواده به مفهوم محدود آن عبارت است از یک واحد اجتماعی ناشی از ازدواج یک زن و مرد که فرزندان پدیدآمده از آنها آن را تکمیل می‌کنند. تعریف دیگر، خانواده را شامل مجموعه از افراد می‌داند که با هدف و منافع مشترک زیر سقفی گرد هم می‌آیند.

۲-۲. نفقه در لغت و اصطلاح

دانشمندان علم لغت برای واژه نفقه ریشه متفاوت ذکر کرده‌اند. ریشه معنای نفقه دو چیز است: یکی خروج، رفتن و هلاک شدن و دیگری شیوع و رواج پیدا کردن. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۳۵۷/۱۰) نفق ینفق نفقاً- نفد و فنی و قل؛ چیزی که کم شد، از بین رفت، ته کشید. جوهری میان موارد کاربرد کلمه نفقه، تفاوت قائل شده و می‌نویسد: «نفقت الدایة تنفق نفوقالی ماتت، ونفق البیع نفاقا بالفتح ای راج؛ هنگامی که این واژه در مورد حیوان به کار رود به معنای مرگ و هلاک حیوان است و اگر در مورد معامله‌ای به کار رود شیوع و رواج آن است» (جوهری، بی تا). قاموس المحيط و لسان العرب نیز معانی فوق را تأیید می‌کنند (فیروزآبادی، ۱۴۰۷، ص ۱۱۹۵). در لغت به معنای چیزی است که انسان برای عیالش خرج می‌کند. در اصطلاح، فقهای امامیه نفقه زوجه را به معنای غذا، لباس، مسکن و... می‌دانند (محقق حلی، ۱۳۸۹، ۳۱۹/۲). می‌توان از عبارت آنها برداشت کرد که نیازهای زن که از دیدگاه آنها محصور است نفقه نامیده می‌شود. عده معدودی، نفقه را به معنای خوراک زن گرفته و در مقابل لباس و مسکن قرار داده‌اند (منتظری، ۱۳۸۹، ص ۵۶).

۲-۳. سبک زندگی

سبک زندگی، بحث از آیین و روش زندگی در ادیان الهی یا بشری به مفهوم عام، از دیرباز مطرح بوده است، اما موضوع سبک زندگی به صورت مستقل مطرح نبوده، بلکه بخشی از محتوای آن با تسامح در معنی با مسائل دیگر مانند آیین و آداب زندگی، برنامه زندگی و... آمده است. همسران در زندگی خانوادگی، وسیله انس و آرامش یکدیگرند و آمیزش آنها با یکدیگر، مصداق کامل لذت

حلال و مشروع است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «هو الذی خلقکم من نفس واحدة وجعل منها زوجها لیسکنن إلیها؛ و او خدایی است که شما را از یک تن آفرید و همسرش را از جنس خودش قرار داد تا با او آرام گیرد» (اعراف: ۱۸۹). یکی از اهداف ازدواج و ایجاد روابط زناشویی، رسیدن به انس و آرامش و به رهگیری از یکدیگر است. برای اینکه بهره‌گیری از لذت‌های زناشویی و آرامش حاصل از آن تداوم یابد باید روابط سالم‌تر و عمیق‌تر شود. نظام زوجیت از ارکان آفرینش و از نشانه‌های الهی است که خداوند به آن تصریح می‌کند: «و من آیاتہ أن خلق لکم من أنفسکم أزواجا لتسکنوا إلیها وجعل بینکم مودة و رحمة؛ و یکی از آیات لطف الهی آن است که برای شما از جنس خودتان جفتی بیافرید که در کنار او آرامش یافته و با هم انس گیرید و میان شما رأفت و مهربانی برقرار فرمود» (روم: ۲۱). آن‌گونه که از نصوص دینی به دست می‌آید چیزی محبوب‌تر از ازدواج نزد خداوند نیست (حرعاملی، ۱۴۱۴، ۲۰/۱۴) و منظور از آیه، الفت بین زوجین است (واحدی، ۱۴۱۵، ۲/۸۲۰). تشکیل خانواده، دوست‌داشتنی‌ترین و گرمی‌ترین بنیان‌ها و زمینه‌ساز حفظ شخصیت دینی است. مقدمه‌سازی برای ازدواج از وظایف اولیای خانواده و اجتماع شمرده می‌شود. در فرهنگ دینی، خانواده سالم می‌تواند در رشد و ارتقای اعضا و پویایی جامعه نقش مهمی را ایفا کند. باتوجه به اهمیت اسلام به خانواده، اصلی‌ترین وظیفه مشترک زن و مرد، اداره و مدیریت خانواده و ساختن محیط خانواده است. محیط خانواده باید کانون آرامش و آسایش برای هر یک از زوجین باشد تا زمینه‌های بهره‌مندی هر یک از افراد خانواده از لذت‌های معنوی، روحی و عاطفی فراهم شود. مقام معظم رهبری می‌فرماید: «نکته مهم اینکه سبک زندگی نیز در باورها و ارزش‌ها اثرگذار است». به عبارت دیگر، باورها و رفتارها در یکدیگر اثر متقابل دارند و رابطه طرفینی دارند. گاه رفتار، باور و ارزش را تغییر می‌دهد و گاهی ارزش‌ها و باورهاست که رفتار را تغییر می‌دهد.

۳. حقوق زوجه بر زوج

منظور از حقوق، تعهدات و تکالیفی است که برعهده مرد است. مرد در این زمینه بدهکار و زن طلبکار است.

۳-۱. نفقه

بررسی فقهی: فقهای امامیه برای وجوب نفقه زوجه، سه دلیل ذکر کرده‌اند: آیات، روایات و اجماع.

۳-۱-۱. ادله وجوب نفقه

اول) آیات

بعضی از آیات قرآن به طور صریح، دلالت بر وجوب نفقه دارند و برخی دیگر به کمک روایات و تفاسیر بر این مطلب دلالت می‌کنند. در ذیل آیاتی که دلالتشان واضح‌تر است، آورده می‌شود. «فامساک بمعروف او تسریح باحسان؛ باید همسرش را به شایسته و متعارف نگه دارد» (بقره: ۲۲۹). در آیه فوق، خداوند دو راه حل به مردان پیشنهاد می‌دهد: یا زنان را به نیکی نگاه دارند و یا به خوشی آنان را رها کنند. نگاه داشتن به نیکی، مستلزم پرداختن هزینه‌های زندگی آنهاست و رها به خوشی نیز مستلزم حمایت مادی از آنان در مواردی خاص است. امام صادق علیه السلام امساک به معروف را چنین می‌فرماید: «أما الامساک بالمعروف فكف الاذی وإحباء النفقه؛ اما امساک به معروف به معنای اذیت نکردن زنان و پرداختن نفقه ایشان است» (حرعاملی، ۱۴۱۴، ۲۲۶/۱۵). «و علی المولود له رزقهن و کسوتهن بالمعروف لا تکلف نفس إلا وسعها؛ تأمین خوراک و پوشاک مادران شیردهنده به طور شایسته و متعارف به عهده پدر فرزند است. هیچ کس جز به اندازه توانش تکلیف نمی‌شود (بقره: ۲۳۳). این آیه درباره زنانی که طلاق داده شده و حامله هستند، نازل شده و پدران فرزندان آنان را مکلف به پرداخت خوراک و پوشاک این زنان کرده است (جصاص، ۱۴۰۵، ۱۰۴/۲). شیخ طوسی در تفسیر این آیه می‌نویسد: «معنای این آیه این است که پدر طفل، خوراک و پوشاک مادر فرزندش که او را طلاق داده است، واجب است تا زمانی که مادر، فرزند را شیر می‌دهد (شیخ طوسی، بی تا، ۲۵۶/۲).

علامه طباطبایی نیز مولود له را به این تفسیر می‌کند که مکلف به تأمین نفقه زوجه است. (طباطبایی، ۱۳۹۳، ۲/۲۴۰) «لینفق ذوسعه من سعته و من قدر علیه رزقه فلینفق مما آتاه الله لا یکلف الله نفسا إلا ما آتیها سیجعل الله بعد عسر یسرا؛ بر توانگر است که از توانگری اش (همسر بچه‌دارش) را در ایام عده‌اش هزینه دهد و هرکه رزق و روزی اش تنگ باشد از همان که خدا عطا کرده، هزینه دهد. خدا هیچ کس را جز به اندازه رزقی که به او عطا کرده است، تکلیف نمی‌کند. خدا به زودی پس از سختی و تنگنا فراض و گشایش قرار می‌دهد» (طلاق: ۷). در آیه شریفه، شخصی که قادر به انفاق است امر به انفاق شده و کسی که تنگ‌دست است به نسبت توانایی و به میزان بهره‌مندی اش از مواهب الهی، مکلف به پرداخت نفقه شده است. این آیه دلالت می‌کند بر اینکه هرکس و هر فرد، نفقه را به اندازه توان خود بدهد و کسی که قدرت مالی اش کمتر است به اندازه‌ای که دارد بدهد و کسی که پول دارد اندازه شأنت زن بدهد. خداوند داناست به آنچه که انجام می‌دهد (جصاص، ۱۴۰۵، ۵/۳۶۱)؛ زیرا خداوند هیچ کس را بیش‌تر از آنچه به وی داده، مکلف نکرده است و به تنگ‌دستانی که به مشقت و سختی از عهده نفقه همسرشان برمی‌آیند نوید داده شده که خداوند بعد از تنگدستی‌ها و مشکلات، راحتی و آسایش قرار داده است. امام صادق علیه السلام درباره این آیه می‌فرماید: «اگر مرد به همسرش انفاق نکند و خوراک و پوشاک لازم و موارد نیاز وی را تأمین نکند بین آنان جدایی انداخته می‌شود» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ص ۱۵). دقت در این آیات نشان می‌دهد که بر وجوب نفقه زوجه دلالت دارند. خداوند سبحان اهل توسعه و تمکن را امر فرموده که بر زنان شیردهی که فرزندان خود را شیر می‌دهند با اندازه وسعتشان توسعه بدهند، پس هرآینه به قدر آن امکان و طاقتش انفاق کند (طبرسی، بی تا، ۱۱۳/۲۵).

دوم) روایات

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «زنی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و از حق زوج بر زوجه سؤال کرد و پاسخش را شنید، سپس از حق زوجه بر زوج پرسید. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: یکسوها من العری و یطعمها من الجوع وإذا أذنبت غفرها؛ حق زن بر همسرش آن است که او را از برهنگی پوشانده و از گرسنگی اطعام داده و هنگامی که مرتکب گناهی می‌شود تو را ببخشد». (حرعاملی، ۱۴۱۴، ص ۱۵) هند

همسر ابی سفیان خدمت پیامبر مشرف شد و گفت: «ابی سفیان مرد خسیسی است و خرج کافی نمی‌دهد که من و فرزندانم را کفایت کند، مگر اینکه خودم مخفیانه بردارم و او نفهمد، آیا بدین سبب مرتکب گناهی می‌شوم؟ پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: به مقداری که تو و فرزندانم را کفایت می‌کند به شایستگی از اموال او بگیر» (متقی هندی، ۱۴۱۰، ۳۰۳/۸). از حدیث فوق روشن می‌شود که رفع نیازهای زن و فرزندان برعهده مرد است و اگر مرد پرداخت نکند زن می‌تواند خودش بردارد. همچنین زن باید به معروف بردارد؛ یعنی اسراف و تبذیر نکند. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در خطبه حجه الوداع درباره حق زن بر شوهر فرمود: «فعلیکم رزقهن و کسوتهن بالمروف؛ پس بر شما باد خوراک و پوشاک زانتان با نیکی و شایستگی» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۲۳۰/۱۵).

در این روایت علاوه بر وجوب نفقه یعنی، پوشاک، خوراک به شایسته بودن آنها نیز تکلیف شده است. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: «ملعون ملعون من ضیع من یعول؛ مورد لعن و نفرین و ملعون است کسی که خانواده و عائله خویش را ضایع کند»؛ یعنی حقوق آنان را تضییع کرده و هزینه‌های زندگی آنان را تأمین نکند. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در پاسخ پرسشی درباره حق همسر بر شوهرش فرمود: «یشبع بطنها ویکسوها جتتها و إن جهلت غفرلها؛ مرد باید شکم زن را سیر کرده و بدن او را بپوشاند و اگر زن مرتکب جهالتی شده وی را ببخشاید» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۲۵۱/۲۱). این حدیث نیز به صراحت بر وجوب نفقه زوجه دلالت دارد.

سوم) اجماع

اصل وجوب نفقه، مسئله اجماعی است که همه فقها بر آن اتفاق دارند. علاوه بر فقه‌های امامیه، فقه‌های عامه نیز اصل وجوب نقه را پذیرفته‌اند و هیچ نظر مخالفی در این باره مشاهده نشده است. باتوجه به روشن بودن مدرک و مستند اجماع‌کنندگان، آیات و روایات و اجماع مورد اتفاق همه مسلمانان است و فقه‌های امامیه و عامه به این دلایل استناد کرده‌اند، اما فقه‌های عامه دو دلیل دیگر نیز ذکر کرده‌اند: عقل و قیاس. هرچند قیاس نیز به نوعی به عقل رجوع می‌کند، اما

چون فقهای عامه آن را جداگانه ذکر کرده‌اند و قیاس هم از نظر علم اصول، دلیل مستقلی محسوب می‌شود به‌طور جداگانه بررسی می‌شود.

چهارم) عقل

از نظر عقلی استدلال شده است که چون زوجه به سبب نکاح، برای شوهر محبوس می‌شود و از بیرون رفتن از منزل و از اکتساب و تحصیل درآمد محروم می‌شود، پس شوهر باید نفقه وی را تأمین کند. (السعيد مصطفی سعید، بی تا، ص ۲۰۹) این استدلال منطقی به نظر می‌رسد، اما شامل همه موارد نمی‌شود. برای مثال اگر زوجه‌ای سرمایه هنگفتی همراه خویش به منزل شوهر بیاورد نیازی به تحصیل درآمد ندارد، ولی نفقه او همچنان واجب است و یا اگر بدون اجازه شوهر برای کار واجبی مجبور به خروج از منزل شود مسئله، محل بحث و تأمل است. قیاس را اهل عامه آورده است.

پنجم) قیاس

در فقه قاعده آمده است: «من حبس لحق غیره فنفقته واجبه علیه؛ یعنی کسی که به خاطر حق دیگری محبوس شود نفقه‌اش برعهده اوست». مانند قاضی والی و دیگر خدمت‌گزاران دولت که برای منفعت دولت، خویشان را وقف آن مشاغل می‌کند و به‌گونه‌ای خویش را محبوس و مکلف به انجام دادن این خدمات می‌کنند. از سوی مقابل، دولت نیز مکلف به تأمین هزینه‌های زندگی آنهاست. دلیل فوق هرچند از نظر منطقی صحیح است، اما از نظر خود دلیل قیاس، ضعیف است و قیاس از گروه دلایل خارج می‌شود. با توجه به دیگر ادله محکمی که ذکر شد نیازی به این دلیل احساس نمی‌شود.

۳-۱-۲. شرایط وجوب نفقه

فقهای امامیه اجماع دارند بر اینکه دائمی بودن عقد و تمکین کامل، دو شرط ضروری برای وجوب نفقه است. (محقق حلی، ۱۴۰۲، ۳۴۷/۲) شرط اول، دائمی بودن عقد: فقهای امامیه در وجوب نفقه زوجه، دائمی بودن عقد را لازم می‌دانند و در این زمینه نظر مخالفی مشاهده نشده است. شرط دوم، تمکین کامل زوجه. در کتاب شرایط آمده است: «هو التخلیه بینها و بینة بحیث

لا تخص موضعا ولا وقتا» (محقق حلی، ۱۳۸۹، ۳۴۷/۲). برخی نیز در عقد دائم، نفقه را مشروط به تمکین کامل می‌داند: «بشرط التمکین الکامل فی کل زمان و مکانی یسوغ فیه الاستمتاع؛ به شرط تمکین کامل در هر زمان و مکانی که استمتاع از زوجه جایز باشد» (عاملی، ۱۴۰۶، ص ۲۰۴). تمکین در مقابل نشوز قرار دارد و نشوز در اصل به معنای ترفع است که سرکشی، ترجمه مناسبی برای آن به نظر می‌رسد؛ یعنی زن در برابر شوهرش مطیع نبوده و اوامر او را اطاعت نکند و از او تمکین نکند، البته تمکین در دو معنا استفاده می‌شود. منظور از تمکین عام، قراردادن زوجه، خویشتن را در اختیار شوهر در همه مسائل زندگی است که اراده شوهر را عملی کند مانند خارج نشدن از منزل و یا عدم اشتغال بدون اجازه وی، اما تمکین به معنای خاص، اطاعت زن در مسائل خاص زناشویی است که خویش را در هر موقعیت مشروع و جایز به شوهر تسلیم کند. منظور از نفقه، هزینه‌های لازم زن در جنبه غذا، لباس، مسکن و حتی وسایل زینت و آرایش همسر و عطر و... است. این امر از مسائل مسلم و اساسی در فقه اسلامی است. نفقه، حقی برای زن و بدهکاری برای شوهر است اگرچه زن ثروتمند باشد و مرد فقیر. اگر مرد نخواهد آن را رعایت کند از طرف حاکم شرع اسلام مجبور به رعایت آن خواهد شد و رعایت این حق وظیفه شوهر است.

۳-۱-۳. فواید پرداخت نفقه به زوجه

اینکه مردان نفقه زن را پذیرا می‌شوند این فایده را دارد که فکر زن از این بابت آسوده است و با یافتن آرامش خاطر امکان می‌یابد که کانون خانواده را گرم نگه داشته و وسایل تسکین مرد را فراهم کند و به تربیت نیکوی فرزندان هم با خاطر آرام پرداخته و خانمی سرافراز و محبوب باشد. زن با داشتن وظایفی چون اداره امور خانه، نگهداری فرزندان با وجود ابتلا به عادت ماهانه، زایمان، نفاس و عوارض دوران حمل، نمی‌تواند عهده‌دار نفقه شود. تحمیل چنین امری به او ظلمی آشکار است. در چنین صورتی از ادامه زندگی و یا سرپرستی از فرزندان درمانده می‌شود. براین اساس برای داشتن کانون سالم و آرام ضروری است که شوهر عهده‌دار نفقه شود و زن با آرامش و متانت به انجام وظیفه طبیعی‌اش بپردازد و تعادل و سکونی. (قائمی، ۱۳۶۲، ص ۲۵۵)

صاحب مسالک بر مسئله مورد بحث متفرع کرده و هیچ استصحاب جاری نمی‌شود. ایشان می‌فرماید: «بنابر آنکه وجوب نفقه و دینیت را به وسیله عقد ثابت دانسته و نشوز را مانع و مسقط به حساب آوریم، دینیت را حدوداً ثابت دانسته و قائل شویم بقاء با نشوز ازین می‌رود. در این صورت اگر بین زن و شوهر در مورد تحقق نشوز یا عدم نشوز اختلاف پیدا شود و نتوان حقیقت امر را به دست آورد نظر به اینکه اصل وجوب و دینیت با عقد ثابت شده و سقوطش مشکوک است مقتضای استصحاب، بقای وجوب نفقه و عدم تحقق نشوز است. اولین شرط در نفقه، عقد دائم است و دومین شرط تمکین. اگر زن تمکین نکند دیگر نفقه بر او واجب نیست و هر وقت مرد خواست، زن خود را در اختیار شوهرش قرار دهد چه شب باشد چه روز در هر صورت اطاعت کند در این صورت نفقه واجب است بر مرد». (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۱/۳۰۳) مرحوم فاضل مقداد در تنقیح تعبیری دارد که از آن غفلت می‌شود و برخلاف کلمات قوم است و گویا ایشان در آن متفرد است. ایشان بعد از آنکه اصل تمکین را در وجوب نفقه معتبر دانسته، می‌گوید ثمراتی را که بزرگان برای مسئله ذکر کرده‌اند بر اساس اعتبار تمکین به یکی از دو نحو شرطیت و سببیت است که این اعتبار به کدام یک از دو نحو است. به نحو شرطیت یا سببیت. در بسیاری موارد بنابر شرطیت، نفقه واجب، ولی بنابر سببیت، واجب نیست. کسانی که قائل به اعتبار تمکین شده‌اند این مطلب را عنوان نکرده‌اند، بلکه اعتبار تمکین در کلمات آنان اعم از این است که توقف وجوب نفقه بر آن به نحو توقف المشروط علی الشرط یا توقف المسبب علی السبب باشد در برابر کسانی که تمکین را معتبر ندانسته‌اند، بلکه تنها عدم نشوز را اعتبار داده‌اند.

«ولا ریب فی ان للنفقه تعاقا بالعقد و التمکین جمیعا فانها لا تعجب قبل العقد و لو نشزت بعد العقد لم تطالب بالنفقه؛ عقد و تمکین، وضعاً و تکلیفاً در وجوب نفقه نقش داشته و مؤثراند. بنابراین، همچنان که پیش از عقد واجب نیست بعد از عقد نیز با نشوز و عدم تمکین ساقط می‌شود و زن نمی‌تواند از شوهر خود مطالبه نفقه کند؛ زیرا تمکین در استمرار وجوب نفقه دخیل است و حکم این دو مورد واضح و بی‌اشکال است». (زنجانی، ۱۴۱۹، ۲۵/۷۹۸۸) صاحب جواهر

قول میانه‌ای را پذیرفته است. ایشان نه تمکین را شرط می‌داند و نه نشوز را مانع، بلکه معتقد است که نفقه به سبب اطاعت زوجه از زوج واجب می‌شود: «فالمتمجه حينئذ اعتبار الطاعه التي يكون عدمها نشوزا في وجوب الانفاق» (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۱/۳۰۸):

- احتیاجات به ویژه نیازهای اساسی زن از نظر لباس، خوراک، مسکن فراهم شود؛
- شئون و حیثیت زن مورد نظر باشد طوری که در بین همگان سرشکسته و خوار نشود.
- استطاعت و توانایی شوهر هم مورد نظر باشد به گونه‌ای که به رنج و تعب نیفتد و گرفتار قرض و دین نشود؛

مرد وظیفه دارد برای خود، خدا و انسانیتش با زن مأنوس و خوش رفتار باشد. او هیچ گونه شرطی راحتی در هنگام عقد نمی‌تواند منعقد و دین خود را از زن سلب کند. برای مثال مرد نمی‌تواند در هنگام عقد شرط کند و بگوید: «هر وقت فرصت کردم سری به تو خواهم زد».

اول) پاکدامنی مرد

پیامبر ﷺ فرمود: «با پاکدامنی خود چشم زن را از نظر کردن به دیگران پوشانده و ذهن او را از گناه و لغزش باز دارید».

دوم) مدارا با او

پیامبر ﷺ درباره زن به نیکی سفارش کرد و فرمان داد که اگر از او خطایی سرزد بر او ببخشد و آن را نادیده گیرد. امام علی علیه السلام هم فرمود: «لغزششان را ببخشید. آیا دوست ندارید که خدا از خطا و لغزشتان درگذرد».

چهارم) احترام به زن

زن موجودی قابل احترام است؛ زیرا همسر آدمی و مادر فرزندان او و شریک غم و شادی مرد در زندگی است. پیامبر ﷺ فرمود: «کسی که زنی را به همسری می‌گیرد باید احترامش کند». زن در خانه همسرش باید آنچنان زندگی کند که در خانه پدرش بود. به همین دلیل توصیه می‌شود که مردان به دنبال زنانی که در خانه‌های اعیان و با امکانات بسیار پرورش یافته‌اند، نباشند مبادا که

توانند خواسته‌های او را از هر نظر فراهم کنند. در همه حال نباید فراموش کرد که به فرموده پیامبر ﷺ در حجه‌الوداع: «زن امانت خدا در دست شوهر است، به حکم خدا بر او حلال شده و مرد مسئول اوست. توصیه‌های به خیر درباره او بسیار است.»

۴. حقوق زوج

از نظر اسلام، حقوق و وظایف برای هر یک از زوجین متفاوت است. اسلام حقوق زن و شوهر را در زندگی زناشویی همانند هم نمی‌داند و بین آنها تفاوت است. منشأ و راز این تفاوت‌ها وضع طبیعی زن و شوهر است. ساختمان و خصایص جسمانی و روانی آنها با در نظر گرفتن مصالح اجتماعی است. عواملی مانند عاطفه و احساس، تعقل، توانایی‌ها، آسایش و آرامش برای پرورش نسل زمینه‌هایی مانند رام کردن‌ها، مهار و کنترل کردن‌ها و... در این تفاوت‌گذاری‌های قانونی مؤثر است. این امر موجب تفاوت است نه تبعض. حق شوهر بر زن از همه حقوق اسلامی و انسانی او اقدام و ارجح است، حتی از حق پدر و مادر و تخطی از آن گناهی بزرگ برای همسر است. تکالیف زن نسبت به شوهر بسیار و آسان است. بیشتر مفسران، وجوب اطاعت زنان از همسران خود را قوامیت مرد دانسته‌اند. علامه طباطبایی نیز درجه را قوامیت مرد می‌داند و جمله: «لرجال علیهن درجه» را متمم جمله قبل می‌شمارد. بدین معنا که اسلام در تعیین حقوق و تکالیف هر گروه اجتماعی به استعدادها، کارکردها و میزان دخالت هرکس در تحقق نظم اجتماعی توجه کرده و توازن و عدالت را در اعطای حق به هرکس که استحقاق آن را دارد، رعایت کرده است و معنای حقیقی تساوی و عدل نیز همین است. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۲/۲۳۲) در نتیجه، مرد حقی دارد که زن از هم‌سنگ خود ندارد به همین دلیل حق مرد متمایز است.

۴-۱. اطاعت و عدم عصیان

اطاعت از شوهر و خودداری از نافرمانی او از وظایف اولیه زن است در اموری که مخالف خدا نباشد. هرگاه چنین فرمان و دستوری رسد وظیفه تخلف و یا فرار از آن است. این سخن از متن روایات و دستورات اسلامی استخراج شده است؛ زیرا در همه حال حکم خدا مقدم بر حکم بشر

است. باتوجه به آیه شریفه: «ولا یعصینک فی معروف؛ زنان از فرمان تو در آنچه معروف است، سرپیچی نکنند» (ممتحنه: ۱۲). این آیه دلالت بر اطاعت زن از شوهر دارد. در روایتی از پیامبر ﷺ، امام علی علیه السلام، امام باقر علیه السلام، امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام به این مضمون رسیده است که: «جهاد المراه حسن التبعل» (کلینی، ۱۴۰۷، ۵/۵۰۶) تبعل به معنی پیروی از شوهر است. بنابراین، روایت بر مطلوبیت اطاعت از شوهر دلالت می‌کند و جهاد زن می‌داند.

۴-۲. اداره خانه

حفظ و اداره خانه اگرچه تکلیفی نیست که عدم رعایت آن عقوبتی را موجب شود، ولی براساس سنت اسلامی زن اخلاقاً متعهد است آن را پذیرا شود. پیامبر ﷺ در زمینه نوع خدمت و فعالیت علی و فاطمه در زندگی مشترکشان چنین داوری کرد: «آنچه از کارها که مربوط به درون خانه است انجامش از آن فاطمه و آنچه مربوط به بیرون از خانه است انجامش بر علی علیه السلام باشد». در سخن دیگر از پیامبر ﷺ در همین زمینه آمده است که حق مرد بر زن این است که زن چراغ خانه را روشن کند، به کار تهیه غذا و آشپزی برسد، هنگامی که شوهر از بیرون وارد خانه شد استقبالش کند، به او خوشامد گوید، آب و حوله حاضر کند تا او دست و صورت خود را بشوید و... البته اسلام توصیه می‌کند که به کارهای خانه و در اموری که با ظرافت و لطافت او سازگار نیست، تحملی نشود، اگر زن راضی به انجام کار خانه، کشاورزی، درختکاری، کارهای اداری و... نیست او را مجبور به آن نکنند و حتی در محظورات اخلاقی قرار ندهد.

۴-۳. تمکین جنسی

از دیگر حقوق شوهر این است که زن بدون علت و سبب شرعی از تمکین جنسی خودداری نکند، آن را بهانه‌ای انتقام و یا وادار به تسلیم ساختن مرد قرار ندهد. وظیفه زن این است که در هنگام خواب و در رختخواب حیا را از خود دور کند و خود را بیاراید، معطر کند و با عرضه کردن خود به شوهر، آمادگی خود را در تمکین جنسی اعلام دارد. روایات اسلامی حتی می‌گوید که زن حق ندارد

نماز خود را طولانی کند تا شوهر را از سر خود وا کند و هنگامی که شوهر در رختخواب منتظر اوست او حق ندارد به اعمال مستحبی نماز چون تعقیبات نماز بپردازد.

۴-۴. عدم خروج از خانه

از حقوق مرد بر زن این است که زن حق ندارد بدون اجازه شوهر از خانه خارج شود اگرچه به قصد دیدار دوستان، حتی پدر و مادر باشد. بی‌اذن به مسافرت نرود مگر به حج واجب که در آن صورت باید او را از خود راضی کند. اگر مرد مایل به بیرون رفتن زن حتی برای خرید خانه، کار و شغل نیست، او اطاعت کند. در سخنی از پیامبر ﷺ آمده است که فرمود: «اگر زنی بدون اجازه شوهر از خانه خارج شود فرشتگان خدا به تفعن و نفرینش می‌پردازند تا آنگاه که او به خانه‌اش برگردد». عدم رابطه با اجانب، ارتباط معاشرتی و یا آمیزشی با مردان دیگر در عین اینکه حرام و برخلاف فرمان خداست، حرمت دارد و آن اینکه خیانتی به حق شوهر است. زن پاکدامن با اجانب معاشرت ندارد اگرچه از بستگان و نزدیکان او باشد. این امر در استحکام دوستی بین زن و شوهر، استواری کانون، جلوگیری از به‌هم خوردگی‌های نظم خانوادگی تأثیر زیادی دارد.

۴-۵. حفظ مال و عرض شوهر

زن علاوه بر آنکه کدبانوی خانه است، امین شوهر نیز در مال‌ها و دارایی‌هاست. او در حقیقت مال او و فرزندان او نیز هست کمال مراقبت را دارد، از ائتلاف آن به هر صورت و فرم جلوگیری به عمل می‌آورد. زن و شوهر به تعبیر قرآن، لباس و پوشش یکدیگرند، آبروی هم و نیز شخصیت و شرف همدیگر را در غیاب هم حفظ کرده و از اموری که مایه ریختن آبرو، لکه‌دار شدن دامن شرف و انسانیت آنهاست، خودداری می‌کنند. در روایات اسلامی به زنان توصیه شده: «إن الله جمیل و یحب الجمال؛ خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد» علاوه بر جمال باطنی، خداوند جمال ظاهری مردم را نیز دوست دارد، خدا دوست دارد که اثر نعمت‌های خود را در مردم مشاهده کند و زیبایی‌هایی که به آنان عطا شده آشکارا مشاهده کند که خود را بیارایند، عطر استعمال کنند، موی خود را خضاب و حتی ناخن خود را رنگین و زیبا کنند و بالاخره خود را معشوقه نگه دارند.

فهرست منابع

- * قرآن کریم. مترجم: مکارم شیرازی، ناصر.
۱. ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۱۴). لسان العرب. بيروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزيع.
 ۲. جصاص، احمد بن علی (۱۴۰۵). احکام القرآن. بيروت: داراحیاء التراث العربی.
 ۳. جوهری، ابونصر اسماعیل بن حماد (بی تا). صحاح اللغة. قم: کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی.
 ۴. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه اهل بیت.
 ۵. السعید مصطفی سعید (بی تا). فی مدى استعمال حقوق الزوجیه. قاهره: مطبعه الاعتماد مصر.
 ۶. شبیری زنجانی، سید موسی (۱۴۱۹). کتاب النکاح. قم: مؤسسه پژوهشی رایپرداز.
 ۷. شیخ طوسی، محمد بن حسن (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بيروت: داراحیاء التراث العربی.
 ۸. طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
 ۹. طبرسی، فضل بن حسن (بی تا). ترجمه تفسیر مجمع البیان. تهران: فرهانی.
 ۱۰. فیروزآبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). القاموس المحيط. بيروت: مؤسسه الرساله.
 ۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). کتاب کافی. تهران: دارالکتاب اسلامی.
 ۱۲. متقی هندی، علاءالدین علی بن حسام الدین (۱۴۰۱). کنز العمال فی سنن الأفعال والأقوال. بی جا: مؤسسه الرساله.
 ۱۳. محقق حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۲). المختصر النافع فی الفقه الامامیه. قم: مکتبه الاسلامیه الکبری.
 ۱۴. مکی العاملی، محمد بن جمال الدین (۱۴۰۶). اللغه دمشقیه. قم: دارالناصر.
 ۱۵. منتظری یزدی، محمد (۱۳۸۹). احکام ازدواج و طلاق از نظر اسلام. تهران: تهران.
 ۱۶. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴). جواهر الکلام. بيروت: داراحیاء التراث العربی.
 ۱۷. واحدی، علی بن احمد (۱۴۱۵). الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز. بيروت: دارالقلم.